

صد اوسیما در پوشش حادثه تلخ یکشنبه نشانه‌های مثبتی بروز داد

گارد باز تلویزیون ان‌شاء‌الله استثنانباشد



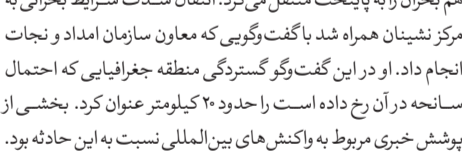
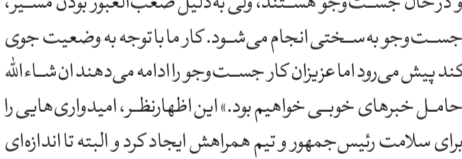
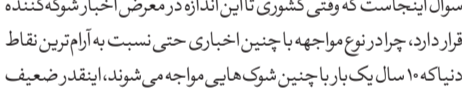
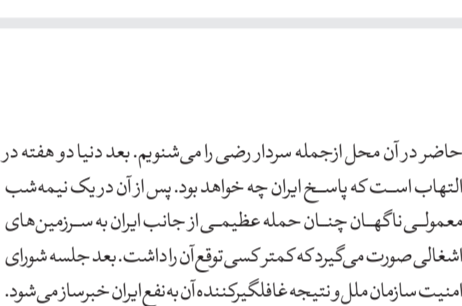
میلا جلیل زاده
خبرنگار گروه فرهنگ

از حوالی ظهر یکشنبه سی‌ام خرداد ماه ۱۴۰۳ وقتی خبر وقوع سانحه‌ای برای بالگرد حامل رئیس‌جمهور ایران و وزیر امور خارجه منتشر شد، افکار عمومی و جنب و جوش درآمد و از آن سو کرکره بازار شایعات و گمانه‌زنی‌ها هم بالا رفت. عده‌ای هم در فضای مجازی به خصوص شبکه ایکس یا همان توئیتر سابق مثل همیشه اد‌عای وصل بودن به بالا و اطلاع‌ازاخبار محرمانه داشتند. مثلا سردبیر سایت انتخاب توئییت کرد که حجت‌الاسلام آل‌هاشم از داخل بالگرد بیرون پریده و زنده است و یک خبرنگار سابق که البته مدت‌هاست در رسانه‌های رسمی کار نمی‌کند با قاطعیت اعلام کرد رئیس‌جمهور صدمه دیده اما زنده است. کار اهالی رسانه در این میان بسیار دشوار بود. از طرفی مسئولان مربوطه اظهارنظرهای متناقضی می‌کردند و از طرف دیگر امکانی برای اقتباس مستقیم اخبار از میدان وجود نداشت. اگر سکوت می‌شد مردم تشنه خبر سراغ بازار سیاه شایعات می‌رفتند و ممکن بود هر اظهارنظر یا گمانه‌ای را رابر کنند و اگر هر خبری که از گوشه و کنار می‌آمد انعکاس پیدا می‌کرد، دیگر سنگ روی سنگ بند نمی‌شد. بخش اخبار صداوسیما که معمولا به دلیل جاماندن از رویدادها یا نوب پوشش اشتباه‌شان مورد نقد قرار می‌گرفت، این بار نسبتا بهتر عمل کرد و غیر از چند ایراد جزئی که از کم‌دقتی و شوکه شدن بر می‌آمدند نه استراژی رسانه‌ای غلط، اشتباه فاحشی در انتقال اخبار از آن سست دیده نشد. مشکل اصلی از جانب مسئولان مربوطه بود که باید اخبار صحیح را منتقل می‌کردند اما گاهی ۳۰ دقیقه پس

برهه‌های حساس تا ابد ادامه دارد

احتمالاهم این نکته را قبول داریم که ایران کشور خبرساز است و به همین جهت کسی که در این محدوده جغرافیایی واجتماعی کار رسانه‌ای می‌کند، نسبت به کسانی که در کشورهای دیگر مشغول به همین کار هستند،وضع متفاوتی دارد.گاهی بعضی از کشورها دربره‌های به‌خصوص از تاریخ‌شان خبرساز می‌شوند.مثلا درگیر جنگ یا شورش داخلی یا تروورهای مکرر شده‌اند و مدتی در صدر اخبار هستند؛ اما ژانر این خبرها طی تمام آن مدت به‌خصوص یکسان است و به‌علاوه، این سطح از خبرساز ی لژوما در آن کشورها همیشه باقی نمی‌ماند. ایران اما از لحاظ خبری به واقع تنوع ژانر دارد و میزان حرارت اخبار و شوکه‌کننده بودن آنها هم بالاست. به خرداد ۹۶ برگردیم و دوازدهمین دوره از انتخابات ریاست‌جمهوری را به یاد بیابوریم که چه قبل از برگزاری اش، چه در دوره قانونی تبلیغات و چه در مناظرات نامزدها، بداخلای‌های بی‌سابقه‌ای شد. همین شوکه بر ای ژنر و رو شدن یک قاره کافی بود؛ هر رسد به کشوری که یک درصد از جمعیت و مساحت جهان را دارد. چند ماه بعد یک روز از خواب بلند می‌شویم و هنگام مرور اخبار عادی در فضای مجازی، می‌فهمیم که عده‌ای در شمال شرقی کشور در اعتراض به گرانی تجمع کرده‌اند. دو سه روز که می‌گذرد کل کشور درگیر این ماجرا می‌شود و دی ۹۶ رقم می‌خورد. موضع بسیاری از شخصیت‌های اصلاح‌طلب که به شکل تیبیکال حامی حضور خیابانی مردم و اعتراض‌شان شناخته می‌شدند هم شوکه‌کننده است. جلایی‌پور معترضان را کرکس می‌خواند و صادق زیباکلام می‌گوید حاضر است علیه این جماعت اسلحه به

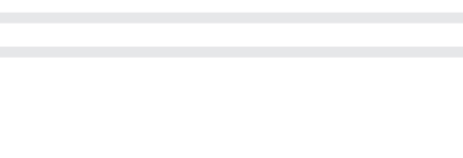
از اظهارنظر این افراد، مشخص می‌شد که آنچه گفته‌اند درست نبوده است. از آن‌سو رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی هم این بار نتوانستند مرجعیت خبر را به دست بگیرند؛ چراکه پرو پاگاندای احساسی و کینه‌جویانه‌ای که طی این سال‌ها چهارچوب کاریشان را مشخص کرده بود، در این وضعیت حتی که نیاز به حرفه‌ای‌گری حس می‌شد، کارکرد نداشت. مثلا قبل از اینکه حتی جای بالگرد رئیس‌جمهور مشخص شود بی‌بی‌سی فارسی با مهدی نوربخش در این خصوص مصاحبه کرد که داماد ابراهیم یزدی، نماینده مجلس اول شورای اسلامی و وزیر خارجه دولت بازرگان بود. مجری از نوربخش پرسید اگر رئیس‌جمهور ایران فوت کرده باشد کشور چطور اداره می‌شود و او گفت احتمالا رهبری یک نفر را از شورای عالی امنیت ملی منصوب می‌کنند تا بعدا انتخابات را برگزار کنند. او این حرف ندادند درست را در حالی می‌زد که در این باره قانون مشخصی وجود دارد که همه می‌توانند بخوانند و پیش از این هم دوبار روسای‌جمهور ایران نتوانسته‌اند دوره‌شان را به پایان برسانند و به این قانون رجوع شده است. طبیعتا کسانی که صرفا به درد پرو پاگاندای کینه‌جویانه نسبت به سیاست‌های کلی نظام می‌خورند، در چنین لحظه حساسی که به سوواد و اطلاعات بالا و مرتبط نیاز است، نمی‌توانستند به هیچ‌وجه کاربرد عینی و واقعی داشته باشند. مرور کلی اخبار رسمی و غیررسمی مرتبط با سقوط بالگرد رئیس‌جمهور و همراهان شبکی از بهترین مواردی است که می‌توان با مطالعه آن، به وضعیت رسانه‌ای ایران و نوع برخورد روانی با بحران‌های پی برد. در ادامه ضمن اشاره به وضعیت خیرساز جامعه ایران که چهارچوب رسانه‌ای متناسب با خودش را می‌پسندد، به مرور به نوع انعکاس اخبار مرتبط با سقوط بالگرد رئیس‌جمهور هم پرداخته شده است.



حاضر در آن محل ازجمله سردار رضی را می‌نویسم. بعد دنیا دو هفته در التهاب است که پاسخ ایران چه خواهد بود. پس از آن در یک نیمه‌شب معمولی ناگهان چنان حمله عظیمی از جانب ایران به سرزمین‌های اشغالی صورت می‌گیرد که کمتر کسی توقع آن را داشت. بعد جلسه شورای امنیت سازمان ملل نتیجه فافلنگیرکننده آن به نفع ایران خبرساز می‌شود. گردوغبار این معرکه وقتی با تلافی بسیار محقر اسرائیلی‌ها خوابید، نوبت به دور دوم انتخابات مجلس ایران می‌رسد و صدای افشاشگری‌ها بلند می‌شود و یک جو روانی غول‌آسا پدید می‌آید. هنوز با اینکه انتخابات به پایان رسیده و منتخب‌ها مشخص شده‌اند، گردوغبار دعواها نتخوابیده است که ماجرای سقوط بالگرد رئیس‌جمهور مخابره می‌شود؛ آن هم درحالی‌که وزیر امور خارجه، امام‌جمعه تبریز و استاندار آذربایجان شرقی همراهش بوده‌اند. نکته‌ای که پس از هر حادثه‌ای در این سال‌ها درباره‌اش صحبت شده، سوازی از ماهیت جداگانه این حوادث،نوع پوشش رسانه‌ای اخبار است. هر بار بازار شایعات داغ می‌شود و رسانه‌های رسمی اخبار متناقض منتشر می‌کنند. اخبار اصلی و صحیح دیر مخابره می‌شوند و شایعات و گمانه‌زنی‌ها فرصت ته‌نشین شدن پیدا می‌کنند که همین‌ها باعث می‌شود مواضع رسمی با حقایق واقعی گاهی باور نشوند یا درهاله‌ای از شک و تردید عمومی باقی بمانند.

سوال اینجاست که وقتی کشوری تا این اندازه در معرض اخبار شوکه‌کننده قرار دارد، چقدر نوع مواجهه با چنین اخباری حتی نسبت به آزمون‌ترین نقاط دنیا که ۱۰ سال یک بار با چنین شوک‌هایی مواجه می‌شوند، اینقدر ضعیف

یا لاقل بدون چهارچوب برخورد می‌کند؟ ظاهر به قول قدیمی‌ها آنقدر بلا بر سر ما نازل شده که وقت گریه کردن پیدا نکرده‌ایم. یعنی تسلسل بی‌امان چنین اخباری حساسیت کلی را لاقلا در اهالی رسانه پایین آورده است، وقتی یک بار انتخاباتی دیدید که در آن بعضی از نامزدها هر چه خواستند نثار بقیه کردند و بعد هم چیزی از هم فرو نیاشید، وقتی یک بار شورش خارج از دستوری را که به علت مسائل معیشتی در ۱۹۹ شهر کشور رخ داد، دیدیم و بعد هم فهمیدیم چیز خاصی با این اتفاقات در کشور جابه‌جا نمی‌شود. وقتی دیدیم کسی که در مقام وزیر آموزش و پرورش می‌خواست جلوی فیلمسازی عباس کیارستمی را به دلیل تراشیدن ریش‌هایش بگیرد، با خانم جوانی که ظاهر متفاوتی با خانواده اکثر مسئولان داشت ازدواج کرد و بعد او را کشت و پس از آن هم هیچ تغییری در گفتار و کردار مسئولان راجع به این مسائل مشاهده نشد. وقتی آمریکا از برجام خارج شد و تمام وعده‌های زیبایی که درباره ابندی بودن این قرارداد به مردم داده می‌شدند، دود عود شدند و به هوا رفتند. وقتی گلوبال‌هاوک آمریکایی رازدیم و ابرقدرت جهان تک‌قطبی به ایران لشکر نکشید و وقتی تمام موارد دیگر رخ دادند و بعد از آن همه چیز کن‌فیكون نشد، انگار حساسیت مردم واصحاب رسانه نسبت به این اخبار مقداری کمتر شده و حتی گاهی با بعضی از آنها لطیفه می‌سازند و به این توجه نمی‌شود که اگرچه نگارنی بیش از حد در هیچ‌کدام از این موارد صائب نیست، نباید تاثیر کلی این رویدادها از یک‌سو ولزوم مهندسی افکار عمومی برای مواجهه سالم با این اخبار از سوی دیگر، از نظر دور بمانند.



مشاهده نشده است. « شبکه خبر در ساعت ۷ و ۵۵ دقیقه با پخش قرآن و تصاویری از آیت‌الله ابراهیم رئیسی به صورت رسمی، خبر ناگوار درگذشت رئیس‌جمهور و تیم همراهش را اعلام کرد.

وقت سوگواری

واضح است که شبکه‌های خبری بعد از اعلام خبر شهادت رئیس‌جمهور، بایستی مبتنی بر دو محور مجزا، تحلیل‌ها و پوشش‌های خبری‌شان را پیش می‌بردند. یکی سوگواری برای درگذشت شهدای حادثه دلخراش ۳۰ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳ و دیگری که اهمیت راهبردی برای شرایط فعلی کشور دارد، روحیه‌بخشی اجتماعی و تقویت امید جمعی نسبت به آینده مدیریت اجرایی و سیاسی کشور. تلویزیون در برگزاری آیین سوگواری ید طولایی دارد و دوباره سراغ کلیشه‌ها و مهارت‌های پیشینی خود در این زمینه رفت؛ نقطه‌تامیزش این بار عنصر خادم‌الرضایی آیت‌الله رئیسی بود و در شبکه‌های مختلف، به پوشش‌زنده عازرداری‌ها حرم امام (رضاع) و حضرت معصومه(س) پرداخت. البته پوشش‌زنده اجتماعات مذهبی در شهرهای مختلف از شب قبل حادثه شروع شده بود. تلویزیون از ساعت ۱۷ روز یکشنبه، برپای مراسم دعای توسل برای سلامتی حادثه‌دیدگان را از نقاط مختلف کشور پوشش می‌داد. اما بعد از اعلام خبر شهادت، این پوشش خبری شکل دیگری به خود گرفت وسراغ اجتماعاتی رفت که سوگوار شهدای ۳۰ اردیبهشت‌ماه بودند. بخش‌های خبری برای رفع نگرانی‌های اجتماعی درخصوص عدم حضور رئیس‌ولت از همان ساعات ابتدایی به تبیین و تشریح اصل ۱۱۳ قانون اساسی پرداخت. مبتنی بر این اصل، شورای متشکل از رئیس‌قوه قضائیه، رئیس‌مجلس و معاون اول رئیس‌جمهور باید حداکثر ظرف ۵۰ روز زمینه انتخاب رئیس‌جمهور فراهم کنند. این بخش قانون اساسی در گفت‌وگو باکارشناسان سیاسی مورد بررسی قرار گرفت و حتی سخنگوی شورای نگهبان برای تبیین این موضوع با شبکه خبر گفت‌وگوی تلفنی داشت. یکی دیگر از ابعادی که پیرامون حادثه شهادت آیت‌الله رئیسی و تیم همراه‌شان شکل گرفت، ابراز همدردی افراد و کارشناسان سیاسی با گرایش‌های مختلف سیاسی بود، مثلا علی مطهری، محمد جواد طریف، عباس عراقچی و آذری جهرمی از جمله چه‌رهای سیاسی بودند که به آتن تلویزیون دعوت شدند و این فرصت را یافتند که از طریق رسانه ملی در مورد این حادثه اعلام سوگواری کنند. پوشش ابعاد بین‌المللی این واقعه و واکنش‌های مسئولان خارجی به این حادثه، از دیگر مواردی بود که رسانه ملی به آن پرداخت.